

گزارشی از شیوهی آموزش کودکان اتیستیک در یکی از مدارس نیویورک

گزارش از: زهرا اصلانی / مدیر مرکز آموزشی شهید اصلانی تهران

وارد سالن شدم. بر روی تخته ی بزرگی عکس دانش آموزان با مشخصات آنها و مراقبت ویژه ای که نیاز داشتند، روی تابلو نصب کرده بودند، که بسیار جلب توجه می کرد و همین طور تبلیغات کمیته المپیک که قرار بود، امسال برگزار شود، بر روی دیوارهای سالن مدرسه به چشم می خورد.

دانش آموز با اشاره می گفت که در حال حاضر در کجا قرار دارد. مثلاً به تصویر مدرسه اشاره می کرد که یعنی در حال حاضر در مدرسه هستم یا اگر می خواست به خانه برود و زمان رفتن به خانه بود به آن عکس اشاره می کرد.

در قسمت دیگری از دفتر نمودارهایی منحنی دیده می شد که تغییرات و پیشرفت کلیه دانش آموزان در طول یک ماه از سال را نشان می داد.

بر طبق گفته های مدیر مدرسه گاهی از کشورهای مثل اسپانیا، ایرلند و کشورهای اسکانندیناوی برای آموزش به نیویورک فرستاده می شوند و در آنجا به صورت شبانه روزی به آنها آموزش داده می شود.

با این که مجتمع دولتی می باشد، ولی باز هم به خاطر مخارج زیاد دانش آموزان کمبود مالی خود را از طریق بنیاد خیریه برطرف می کند.

برنامه های آموزشی را که برای کودک

مسوول مدرسه: آقای تیم^۱

تعداد دانش آموزان: ۳۰۰ نفر

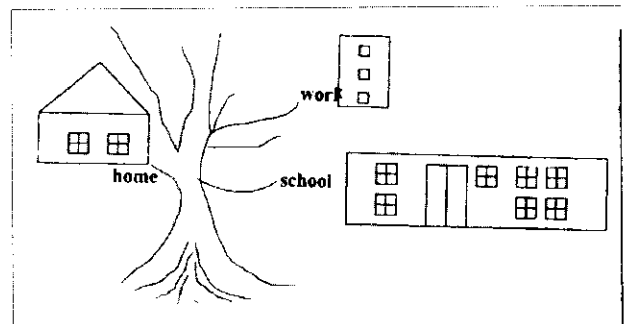
تعداد دانش آموزان هر کلاس: ۶ نفر (دانش آموزان بر طبق ساعات آموزشی مرتباً جابجا می شوند)

تعداد کلاس ها: ۲۰ کلاس

مدرسه وسعت بسیار زیادی داشت و دارای سه طبقه بود. این مدرسه در جوار مدارس عادی قرار داشت.

هنگامی که برای بازدید به این مرکز رفتیم، فصل تابستان بود. با وجود گرمای شرجی نیویورک مدرسه با همان جنب و جوش طی سال تحصیلی فعالیت خود را داشت و دانش آموزان به صورتی بسیار فعال مشغول فراگیری بودند.

داخل حیاط مدرسه وسایل بازی فراوانی با اهداف آموزشی و با رنگ های خاصی به چشم می خورد. مثلاً در روی سرسره عمل جمع ۱+۴ بزرگ نوشته شده بود.



I need help no sound
 Finished mr. Tom
 Change cd

این کلمات راهنمای دانش آموز بود تا با اشاره به آنها مقصود خود را بیان کند.

کلاس شماره (۳) کلاس موسیقی

با سه مربی معلم موسیقی، کمک مربی و دستیار؛ بچه‌ها همه دور مربی نشسته بودند و مربی در جلو آنها همگام با موسیقی حرکاتی را انجام می‌داد، کمک مربیان به دانش آموزان کمک می‌نمودند تا آنها نیز این حرکات را انجام دهند.

| | |
|-----------------|-------------|
| قدم بر می‌داریم | دست می‌زنیم |
| بلند می‌شویم | می‌نشینیم |
| بلند می‌شویم | می‌نشینیم |
| دست می‌زنیم | |

شمارش اعداد نیز با موسیقی انجام شد و مربی دیگری اعداد را روی تخته‌ی دانش آموزان نشان می‌داد. در این کلاس مسایل آموزشی با موسیقی آموزش داده می‌شد.

کلاس شماره (۴)

تدریس در این کلاس از آنجایی آغاز شد که مربی مقوایی بزرگ تصاویر اشیا و حیوان و ... را کشیده بود و روی میز از همان شکل‌ها به صورت پازل بریده شده گذاشته بودند، دانش آموز باید شکل‌های روی میز را بر می‌داشت و روی تصویر مقوایی بزرگ جور می‌کرد، مثلاً معلم می‌گفت: (فرد) را در سمت راست و میمون را در بالای درخت بگذار. مربی با هر دانش آموزی فردی مفاهیم راست و چپ، بالا و پایین و... را کار می‌کند و کمک

اوتیستیک به کار می‌بردند، به طور منظم نوشته و بر روی تخته نصب نموده بودند.

در تمام راهروهای سه طبقه و کلاس‌ها تصاویری بر دیوارها بود، که به صورت بارزی نمایانگر کار معلمان بود و در راهروها علامت‌هایی نصب شده بود، که دانش آموزان را به منظور رسیدن به مقاصد درونی‌شان راهنمایی می‌کرد و بعضی از این نشانه‌ها به صورت نقاشی کشیده شده بود و در جاهای مختلف دیده می‌شد. مثلاً تصویر کودکی که نیاز دارد به توالت برود، آب را باز کند، دست‌ها را با صابون بشوید، سپس با حوله خشک کند.

در جایی تصویر کودکی که درد دارد یا نیاز به غذا دارد، دیده می‌شد و ...

تمامی تصاویر برای این بود که کودک با اشاره به تصاویر نیاز خود را رفع سازد. وارد اولین کلاس شدم.

کلاس شماره (۱) دانش آموزان اتیسم با عملکرد بالا

۶ دانش آموز با ۴ مربی.

تکلیف‌ها بر روی کاغذی بزرگ نوشته شده و روی تخته‌ی پایه‌دار نصب شده بود، دانش آموزان از آن رونویسی می‌کردند.

مربی جوراب یکی از دانش آموزان را درآورد و روی مقوا گذاشت. دانش آموز با کمک مربی دورش را خط کشید سپس از دانش آموز خواسته شد، شکل کشیده شده را قیچی کند.

کلاس شماره (۲) کلاس کامپیوتر

تعداد کامپیوترها ۲۲ عدد بود که با کمک دو مربی برای هر دانش آموزی برنامه‌ی خاص او را (که بر روی CD ریخته بودند) با گذاشتن CD شروع می‌نمودند. بر روی تمامی کامپیوترها این کلمات نوشته شده بود.

به کتابخانه مدرسه رفتیم، کتاب‌ها با توجه به نیازهای دانش‌آموزان بود در آنجا کتاب‌هایی دیدم و با تصاویر جاذب که پیام کتاب فقط با دو خط کوتاه نوشته شده بود.

و اما جالب‌ترین کلاس یا اتاقی ...

اتاقی بود با اسفنج‌هایی به طول ۱/۵۸ متر و عرض ۵۰ سانتی‌متر که این اسفنج‌ها دور تا دور کلاس را گرفته بود، روی اسفنج‌ها با چرم آبی رنگی پوشیده شده بود، فقط زمانی که کودک قشقرق به پا می‌کرد، او را به آنجا می‌بردند تا چنانچه کودک سرش را به دیوار چرمی می‌کوبید، آسیبی نیند و صدای جیغ و فریادهای او نیز وارد محوطه کلاس‌ها و راهروها نشود.

بازدید از سالن ناهار خوری

در آنجا مربیان با دانش‌آموزان هم‌بر‌دور می‌ز نشستند بودند، البته بچه‌های ۴ ساله دور هم در یک گروه و نزدیک به هم نشسته، مشغول غذا خوردن بودند. به طور کلی آنچه که در تمامی کلاس‌ها چشمگیر بود، تابلوی نموداری بود که هر معلمی پیشرفت دانش‌آموزان را با نمودار منحنی مشخص کرده بود. کلاس‌ها بسیار متنوع و شاد بود و پر از وسایل کمک آموزشی که هم به دیوارها نصب شده بود و هم به راهروهای مدرسه.

در این مرکز تمامی مطالب آموزشی به صورت سی‌دی در اختیار همه دانش‌آموزان قرار می‌گرفت اعم از آموزش ریاضی، فارسی، علوم و... و آنچه که من از این بازدید دریافتم بیشتر آموزش به کودکان اتیستیک در این مرکز به روش PECD بود.

مربیان دیگر دانش‌آموزان را متوجه می‌نمودند و سعی می‌کردند نظم و آرامش کلاس را حفظ کنند.

کلاس شماره (۵) آموزش حالات مختلف چهره

در این کلاس تدریس روی حالت‌های غمگین، شاد، خندان و گریان بود تصویر حالت‌ها به همراه نوار آن حالت‌ها بود، با پخش صدای نوار دانش‌آموز باید تصویر مختلف با آن صدا را نشان دهد. تقریباً کلاس شلوغی بود و هر دانش‌آموزی صدای خاصی را در می‌آورد و آدم واقعاً سرسام می‌گرفت.

کلاس شماره (۶) کلاس نقاشی

۳ دانش‌آموز با سه مربی؛ هر دانش‌آموزی با یک لباس بلند و یک قلم مشغول کاری بودند که مربی از آنها خواسته بود آنها دور سیب کشیده را رنگ آمیزی می‌کردند.

کلاس شماره (۷) کاردرمانی

این کلاس تجهیزات درمانی خوبی داشت و مربی با یک دانش‌آموز با توجه به نیاز او و ابزار آن کار می‌کرد.

کلاس شماره (۸)

در این کلاس جغرافیا تدریس می‌شد. مربی از روی شکل‌های نقشه مناطق جغرافیایی را توضیح می‌داد سپس CD مربوطه به این درس را در کامپیوتر گذاشته و از دانش‌آموز می‌خواست که با توجه به آن منطقه خاصی را که آموزش گرفته نشان دهد.